

رسول الإسلام محمد صلى الله عليه
وسلم (للحرمين و الجمعية)
پیامبر اسلام محمد صلى الله عليه وسلم

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم

کمیته علمی اداره امور دینی مسجد الحرام و مسجد نبوی

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم

کمیته علمی اداره امور دینی مسجد الحرام و مسجد
نبوی

به نام الله بخشنده‌ی مهربان ّ [مقدمه]

این مختصر، نگاهی اجمالی به زندگانی پربار پیامبر اسلام، محمد -صلی الله علیه وسلم- می‌اندازد. در این نوشتار، به مواردی همچون نام، نسب، سرزمین، ازدواج، رسالت الهی و دعوت ایشان، نشانه‌های پیامبری، شریعت، و دیدگاه مخالفان ایشان پرداخته خواهد شد.

۱- نام و نسب و شهری که ایشان در آن دیده به جهان گشوده و پرورش یافتند.

پیامبر اسلام، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم، از نسل اسماعیل بن ابراهیم -علیهم السلام- است.

زیرا پیامبر الله ابراهیم علیه السلام به همراه همسرش هاجر و فرزندشان اسماعیل که نوزاد بود، از شام به مکه آمد، و به امر الله عزوجل آنان را در مکه سکونت داد؛ وقتی پسرش، اسماعیل علیه السلام، به سنّ جوانی رسید، ابراهیم علیه السلام به مکه آمد و همراه پسرش اسماعیل -علیهما

السلام- کعبه بیت الحرام را بنا کرد. سپس جمعیت در اطراف کعبه افزایش یافت و مکه به مقصد عابدان الله پروردگار جهانیان که قصد ادای حج داشتند، تبدیل شد. و مردم به مدت قرن ها به عبادت الله و توحید او بر اساس دین ابراهیم -علیه السلام- ادامه دادند،

وضعیت به همین صورت بود تا اینکه انحراف رخنه پیدا داد و جزیره العرب شکل و شمایل همچون وضعیت دیگر سرزمین های جهان پیدا کرد و عادات بت پرستانه در آن آشکار شد مانند: پرستش بتها و زنده به گور کردن دختران و ستم در حق زنان و شهادت دروغ و شراب خواری و ارتکاب فحشا و خوردن مال یتیم و رباخواری و...

در این مکان و این محیط، پیامبر اسلام محمد بن عبدالله -صلی الله علیه وسلم- که از نسل اسماعیل بن ابراهیم -علیهم السلام- بود، به سال ۵۷۱ میلادی دیده به جهان گشود. پدرش پیش از تولد ایشان، از دنیا رفت. و مادرشان در حالی که ایشان شش سال داشتند، دیده از جهان فرو بست؛ و عمویشان ابوطالب سرپرستی ایشان را به عهده گرفت و یتیم و فقیر زندگی کرد و از تلاش خود کسب در آمد می کرد.

۲- ازدواج خجسته ایشان با بانویی مبارک

هنگامی که ایشان بیست و پنج سال داشت، با بانویی از زنان مکه به نام خدیجه بنت خویلد -رضی الله عنها- ازدواج کرد و از وی صاحب چهار دختر و دو پسر شد که همه پسران ایشان در کودکی از دنیا رفتند. رفتار ایشان با همسر و

خانواده‌اش در اوج لطف و محبت بود، به همین سبب خدیجه ایشان را به شدت دوست داشت چنانکه پیامبر ایشان را چنین دوست داشت و این دوست داشتن دو طرفه بود. ایشان با گذشت سالها از وفات خدیجه، او را فراموش نکردند و از روی نیکوکاری و وفاداری به ایشان، هرگاه گوسفندی ذبح می‌کرد، میان دوستان خدیجه -رضی الله عنها- توزیع می‌نمود.

۳- آغاز وحی

پیامبر محمد -صلی الله علیه وسلم- از هنگامی که خداوند ایشان را آفرید، دارای اخلاقی بس والا بودند. قومش او را راستگوی امین می‌نامیدند و ایشان در کارهای نیک و گرامی با قومش همکاری می‌کرد؛ و در عین حال از بت‌پرستی شان نفرت داشت و در این زمینه مشارکتی با آنها نداشت.

و چون به چهل سالگی رسید، در حالی که در مکه بود، الله متعال ایشان را به پیامبری برگزید و جبرئیل -علیه السلام- با آیات نخست اولین سوره‌ای که از قرآن نازل شد نزد ایشان آمد:

(اَفْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (1) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (2) اَفْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (3) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (4) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (5))

{بخوان به نام پروردگارت که [هستی را] آفرید (۱)}

[همان پروردگاری که] انسان را از خون بسته آفرید (۲)

بخوان و پروردگارت [از همه] بزرگوارتر است (۳)

[همان] ذاتی که به وسیلهٔ قلم [نوشتن] آموخت (۴)

به انسان آنچه را که نمی‌دانست آموخت { (5)

[سورهٔ علق: ۱-۵]،

پس در حالی که هراسان بود، نزد همسرش خدیجه -رضی الله عنها- آمد و آنچه رخ داده بود برای او بازگو کرد که خدیجه ایشان را آرام نمود؛ و با وی نزد پسر عمویش ورقه بن نوفل -که نصرانی شده بود و تورات و انجیل خوانده بود- برد و گفت: ای پسر عمو، از برادرزاده ات بشنو که چه می‌گوید. ورقه گفت: برادرزاده، چه دیده‌ای؟ پس پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آنچه را دیده بود برای او بازگو کرد که ورقه خطاب به ایشان گفت:

«این همان ناموس (فرشته و صاحب سری) است که الله بر موسی نازل کرد، کاش من در این هنگام [جوان و] شاداب بودم، ایکاش هنگامی که قومت تو را بیرون خواهند کرد، زنده باشم. پس رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «آیا آنان مرا بیرون خواهند کرد؟» گفت: آری، هیچ کسی تاکنون همانند آنچه را که تو آورده‌ای نیاورده است، مگر آنکه همگی با او دشمنی کرده اند، اگر من، تا آن روزگار تو را دریابم، با تمام وجود به تو کمک خواهم کرد».

نزول قرآن بر پیامبر در مکه، ادامه یافت و جبرئیل -علیه السلام- با آیات آن به همراه جزئیات رسالت از سوی پروردگار جهانیان نازل می‌شد.

وی همواره قوم خود را به اسلام دعوت می‌کرد. قومش با وی دشمنی ورزیدند و در برابر ترک این رسالت: مال و پادشاهی را به او پیشنهاد دادند، اما ایشان همه این پیشنهادها را رد کرد؛ به او سخنانی را گفتند که سران اقوام به پیامبران پیشین می‌گفتند؛ چنانکه او را جادوگر و دروغگو و افتراءزن خواندند؛ و عرصه را بر او تنگ کردند و او را مورد اذیت و آزار جسمی قرار دادند و پیروانش را سرکوب و شکنجه کردند،

با این همه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به دعوت به سوی الله در مکه ادامه داد و موسم حج و بازارهای موسمی عرب را میدان دعوتش قرار داد که در آنجا با مردم دیدار می‌کرد و اسلام را به آنان عرضه می‌داشت. او به دنیا و ریاست آن طمع نورزید و از شمشیرشان نترسید، با آنکه نه قدرتی داشت و نه پادشاه بود؛ و در همان آغاز دعوتش، آنان را به مبارزه طلبید که آیاتی مانند آیات قرآن عظیم الشان بیاورند. و همواره با قرآن مخالفان خود را به چالش می‌کشید؛ به این ترتیب بود که آن تعداد از صحابه گرامی -رضی الله عنهم- به ایشان ایمان آوردند.

در مکه مکرمه، الله متعال با معجزه‌ای بزرگ که حرکت شبانه به بیت المقدس (اسرا) و سپس عروج به آسمان (معراج) بود، ایشان را گرامی‌داشت. و می‌دانیم که الله متعال

پیامبرانش الیاس و مسیح - علیهما السلام - را نیز به آسمان بالا برده است، چنانکه نزد مسلمانان و نصرانیان نقل شده است.

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در آسمان، امر به نماز را از الله متعال دریافت کرد؛ و این همان نمازهایی است که مسلمانان پنج بار در روز ادایش می‌کنند. همچنین در مکه مکرمه معجزه‌ی بزرگ دیگری که شق القمر است رخ داد، نشانه‌ای که مشرکان نیز آن را دیدند.

کافران قریش هر وسیله‌ای را برای جلوگیری از دعوت ایشان به کار بستند و در نیرنگ و دور کردن مردم از او هر کاری کردند؛ و با درخواست معجزه بهانه جویی بسیار نمودند؛ و از یهودیان خواستند تا با دلایل و استدلال‌هایی به کمکشان بروند که در مجادله با پیامبر و بازداشتن مردم از روی آوردن به او از آن‌ها استفاده کنند.

و چون سرکوب و فشار کافران قریش علیه مومنان افزایش یافت، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به آنان اجازه داد تا به حبشه مهاجرت کنند. و خطاب به آنان فرمود: «در آنجا پادشاهی عادل است که نزد او به کسی ستم نمی‌شود». وی پادشاهی نصرانی بود. به این ترتیب دو گروه از مسلمانان به حبشه مهاجرت کردند؛ و چون به حبشه رسیدند، دینی را که پیامبر محمد -صلی الله علیه وسلم- با خود آورده بود، به نجاشی پادشاه آنجا عرضه کردند که ایشان اسلام آورد و گفت: «به الله سوگند این (یعنی اسلام) و آنچه موسی -علیه السلام-

آورده، از یک منبع سرچشمه می‌گیرد». و آزارهای مشرکان علیه ایشان و اصحاب شان ادامه یافت.

از جمله کسانی که در موسم حج ایمان آوردند، گروهی بودند که از مدینه آمده بودند و بر اسلام و یاری پیامبر - هنگامی که به شهرشان مهاجرت کند - با ایشان بیعت کردند. آن زمان مدینه «یثرب» نام داشت. پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به کسانی که در مکه مانده بودند، اجازه هجرت به مدینه نبوی داد، پس آنان هجرت کردند و اسلام در مدینه گسترش یافت، چنانکه خانه‌ای نبود مگر آنکه اسلام به آن راه یافت.

پس از آنکه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- سیزده سال را در مکه به دعوت پرداخت، الله به او اجازه هجرت به مدینه را داد، پس ایشان -صلی الله علیه وسلم- به مدینه هجرت نمود و دعوت به سوی الله را ادامه داد و در آنجا شرایع اسلام یکی پس از دیگری نازل شد. سپس ایشان نمایندگان خود را با پیام‌هایی به سوی سران قبائل و پادشاهان فرستاد و آنان را به اسلام فرا خواند؛ پادشاه روم و فارس و مصر از جمله کسانی بودند که رسول خدا نمایندگان خود را به سوی آن‌ها فرستاد.

در مدینه خورشید گرفتگی رخ داد و مردم هراسان شدند، و این واقعه مصادف شد با روز وفات ابراهیم فرزند پیامبر -صلی الله علیه وسلم-؛ پس مردم گفتند: خورشید برای مرگ ابراهیم گرفت، اما پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند:

(إن الشمس والقمر لا يكسفان لموت أحد، ولا لحياته، ولكنهما من آيات الله، يخوف الله بهما عباده)، «خورشید و ماه برای مرگ یا حیات کسی دچار کسوف نمی‌شوند، بلکه این دو از نشانه‌های الله هستند که الله به وسیله‌ی آن‌ها بندگان را بیم می‌دهد»¹،

حال آنکه اگر [نعوذ بالله] پیامبر -صلی الله علیه وسلم- دروغگو بود، از این فرصت استفاده می‌کرد و مردم را از تکذیب خود می‌ترساند و می‌گفت: خورشید برای مرگ فرزند من کسوف کرده است، پس چگونه است حال کسی که مرا تکذیب کند.

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را پروردگارش با کمال اخلاقی آراسته و زینت بخشیده است و او را چنین توصیف کرده است:

(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ)

{و یقیناً تو اخلاق بسیار نیکو و والایی داری}.

[سوره قلم: ۴]،

ایشان از همه صفات نیکو چون صداقت و راستی، اخلاص، شجاعت، عدل، وفاداری با دشمنان و گرم برخوردار بودند؛ صدقه دادن به فقرا و بینوایان و بیوه زنان و نیازمندان را دوست داشت. و مشتاق هدایت آنان و مهربانی و رحمت و تواضع با آنان بود. تا جایی که گاه شخص غریبی

¹ صحیح مسلم (901)

در جستجوی پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می‌آمد و در حالی که ایشان حاضر و در میان صحابه بودند از صحابه می‌پرسید که کدام یک از شما محمد است؟ و او را نمی‌شناخت.

سیرت ایشان نمونه‌ی والایی در کمال و نجابت رفتاری با همگان بود: دوست و دشمن و دور و نزدیک و بزرگ و کوچک و مرد و زن و حیوانات و پرندگان.

و چون الله متعال دین را برای او کامل گرداند و ایشان -صلی الله علیه وسلم- رسالت را به بهترین وجه تبلیغ نمود، در سن شصت و سه سالگی که چهل سالش پیش از پیامبری و بیست و سه سالش را پیامبر بود، دیده از جهان فرو بست.

ایشان -صلی الله علیه وسلم- در مدینه منوره به خاک سپرده شدند و مال و میراثی به جای نگذاشت، مگر قاطر سفیدرنگی که سوارش می‌شد و زمینی که آن را صدقه در راه ماندگان قرار داد.¹

تعداد کسانی که اسلام آوردند و او را تصدیق نمودند و از ایشان پیروی کردند، بسیار زیاد بود؛ و در حجة الوداع بیش از صد هزار تن از اصحاب با ایشان حج را به جای آوردند که تقریباً سه ماه پیش از وفاتشان بود؛ و شاید این یکی از اسرار حفظ دین او و انتشار آن باشد. یاران ایشان که آنان را بر اساس ارزشها و مبادی اسلام تربیت کرده بود، از بهترین اصحاب

¹ صحیح بخاری (4461) 15/6.

[پیامبران] از حیث عدالت و زهد و وَرَع و وفاداری و فداکاری در راه دین بزرگی بودند که به آن ایمان آوردند.

والا مقام ترین اصحاب ایشان - که الله از همه شان راضی باد - از منظر ایمان و علم و عمل و اخلاص و تصدیق و بذل و بخشش و شجاعت و بزرگواری، ابوبکر صدیق و عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب - رضی الله عنهم - هستند. آنان از نخستین کسانی بودند که به ایشان ایمان آوردند و تصدیقش نمودند؛ و خلفای پس از او بودند که بیرق دین را پس از او بر دوش گرفتند؛ و هیچ یک از ویژگی‌های پیامبری را نداشتند و پیامبر - صلی الله علیه و سلم - به هیچیک ویژگی خاصی نداد که به دیگران نداده باشند.

الله، کتابش را که پیامبر ابلاغ نمود و سنت و سیرت و گفتار و کردار ایشان را به همان زبانی که با آن سخن می‌گفتند، حفظ کرده است. هیچ سیرت و زندگی‌نامه‌ای در طول تاریخ همانند سیرت پیامبر - صلی الله علیه و سلم - حفظ نشده است؛ تا جایی که حتی چگونه خوابیدن و خوردن و نوشیدن و خندیدن ایشان نیز ثبت شده است.

و اینکه رفتار ایشان با خانواده‌اش در خانه چگونه بوده است.

همه احوال و حالات ایشان در سیرتش مدون است؛ ایشان انسانی پیامبر بودند که هیچ یک از ویژگی‌های ربوبیت را نداشتند و صاحب سود و زیانی برای خودش نبودند.

۴- رسالت ایشان

الله، محمد -صلی الله علیه وسلم- را پس از آنکه شرک و کفر و جهل سرتاسر زمین را فرا گرفته بود، مبعوث ساخت. در شرایطی که کسی بر روی زمین نبود که الله را عبادت کند و به او شریک نیلورد، مگر افراد اندک باقی مانده از اهل کتاب؛ پس الله، محمد -صلی الله علیه وسلم- را به عنوان خاتم انبیاء و رسولان، با هدایت و دین حق به سوی همه جهانیان فرستاد؛ تا این دین مبارک را بر همه ادیان غالب و پیروز بگرداند و مردم را از تاریکی های بت پرستی، کفر و جهل به نور توحید و ایمان هدایت کند؛ و رسالت او کامل کننده رسالت پیامبران پیشین -علیهم الصلاة والسلام- است.

وی به سوی همه مواردی فرا خواند که انبیاء و رسولان -علیهم السلام- یعنی: نوح و ابراهیم و موسی و سلیمان و داوود و عیسی به آن فرا می خواندند. از جمله ایمان به اینکه پروردگار ما الله است که خالق و روزی دهنده است و زنده کننده و میراننده و مالک الملک است؛ و او کسی است که کارها را تدبیر می کند و رثوف مهربان است؛ و اینکه الله خالق همه چیزهایی است که در جهان وجود دارد -همه آنچه می بینیم و نمی بینیم- و هر چه جز الله، مخلوقی از مخلوقات اوست.

همچنانکه به بهترین شکل و کاملترین بیان، به سوی عبادت موحدانه الله و ترک عبادت هر چه جز اوست فرا خواند. به سوی اینکه الله واحد و یکتاست و در عبادتش یا

فرمانروایی یا آفرینش یا تدبیرش هیچ شریکی ندارد؛ و بیان داشت که الله سبحانه نه زاده شده و نه می‌زاید و هیچ مثل و مانند و همتا و همطرازی ندارد و در هیچ یک از بندگان حلّول نمی‌کند و در آن‌ها تجسّد نمی‌یابد.

همچنین به ایمان به کتاب‌های الهی مانند صحف ابراهیم و موسی - علیهما السلام- و تورات و زبور و انجیل فرا خواند. چنانکه به ایمان به همهٔ پیامبران -علیهم السلام- دعوت نمود. و تکذیب یک پیامبر را کفر ورزیدن به همهٔ پیامبران دانست.

او همهٔ مردم را به رحمت الهی بشارت داد و اینکه الله امور همهٔ آن‌ها را در دنیا بر عهده گرفته و اینکه الله همان پروردگار مهربان است؛ و تنها اوست که مردم را در روز قیامت، پس از آنکه از قبرهای شان برمی‌خیزاند مورد محاسبه قرار خواهد داد؛ و اوست که مؤمنان را به سبب اعمال نیکشان پاداش خواهد داد و برای هر نیکی ده برابر اجر و پاداش می‌دهد؛ و برای هر بدی یک بدی می‌نویسد. و به آنان نعمت و مسرت ماندگار و دائمی در آخرت عطا می‌کند؛ و کسی که کفر ورزد و کار ناشایست کند، در دنیا و آخرت جزای خود را می‌بیند.

پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- در رسالتش قبیلۀ یا شهر یا شخص شریف خود را تمجید نکرد، بلکه در قرآن کریم نام پیامبرانی چون نوح و ابراهیم و موسی و عیسی - علیهم السلام- بیشتر از نام وی آمده است؛ و از نام مادر یا همسران ایشان در قرآن کریم یاد نشده است، حال آنکه از

مادر موسی بیش از یک بار و از مریم -علیها السلام- سی و پنج بار نام برده شده است.

پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- از هر آنچه مخالف شرع و عقل و فطرت است یا مورد پذیرش اخلاق سلیم نیست، معصوم است؛ زیرا پیامبران در آنچه از جانب الله تبلیغ می‌کنند معصومند و مکلف به ابلاغ اوامر الله برای بندگان او هستند؛ و هیچ یک از ویژگی‌های ربوبیت یا الوهیت را دارا نیستند، بلکه مانند دیگر انسان‌ها می‌باشند که الله پیام‌های خود را به آنان وحی می‌کند.

از بزرگترین ادله مبنی بر اینکه پیام و رسالت محمد -صلی الله علیه وسلم- وحی از جانب الله می‌باشد، این است که رسالت او به همان شکلی که در دوران حیات ایشان بود تا امروز باقی مانده و بیش از یک میلیارد مسلمان از آن پیروی می‌کنند؛ و واجبات شرعی آن مانند نماز و زکات و روزه و حج و دیگر امور را بدون تغییر یا تحریف انجام می‌دهند.

۵- نشانه‌های پیامبری ایشان و دلایل آن

الله متعال پیامبران را با نشانه‌های دال بر پیامبری‌شان تایید می‌کند و حجت‌ها و براهینی را که گواه رسالت آنان است اقامه می‌کند؛ و الله برای هر پیامبری نشانه‌هایی قرار داده که برای ایمان آوردن انسان‌ها کافی باشد. و بزرگترین معجزاتی که به پیامبران داده شده، معجزاتی است که به پیامبر ما محمد -صلی الله علیه وسلم- عطا شده است؛ چنانکه الله متعال قرآن کریم را به او عطا کرد که نشانه‌ای از نشانه‌های پیامبران

است که تا روز قیامت باقی خواهد ماند؛ علاوه بر آن ایشان را با نشانه‌ها (معجزه‌های) بزرگی تایید نمود. معجزات پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- بسیارند، از جمله:

اسراء و معراج، شکافته شدن ماه، بارش باران پس از آنکه ایشان در زمان قحطی از پروردگارش خواست تا بر آنان باران بباراند و بارها تکرار گشت.

و زیاد شدن غذا و آبی که اندک بود و مردم بسیاری از آن خوردند یا نوشیدند.

و خبر دادن ایشان از امور گذشته که کسی جزئیاتش را نمی‌دانست، مانند داستان پیامبران -علیهم السلام- با اقوامشان و داستان اصحاب کهف.

همچنین خبر دادن ایشان از امور غیبی که در آینده رخ خواهد داد، پس از آنکه الله متعال ایشان را از امور مذکور آگاه نمود؛ مانند خبر آتشی که از حجاز خارج می‌شود و اهل شام آن را خواهند دید؛ و رقابت مردم در ساختمان سازی.

و کافی بودن الله متعال برای ایشان و در امان نگه داشتن ایشان از مردم.

و محقق شدن وعده‌هایی که ایشان به اصحابش داد، از جمله اینکه به آنان فرمود:

(لَتَفْتَحَنَّ عَلَیْكُمْ فَارِسَ وَالرُّومَ، وَلَتَنْفَقَنَّ كُنُوزُهُمَا فِی سَبِيلِ اللَّهِ).
«سرزمین‌های فارس و روم برای شما گشوده خواهد شد و شما گنج‌هایشان را در راه الله انفاق خواهید کرد».

و اینکه الله متعال توسط فرشتگان ایشان را یاری نموده و تایید کرد.

و اینکه پیامبران بشارت پیامبری محمد -صلی الله علیه وسلم- را به اقوامشان دادند. از جمله پیامبرانی که به آمدن ایشان بشارت دادند، موسی و داوود و سلیمان و عیسی -علیهم السلام- و دیگر پیامبران بنی اسرائیل هستند.

همچنین با ادله عقلی و ضرب المثل‌ها¹ که عقل سلیم به آن‌ها اذعان دارد.

این آیات و ادله و مثال‌های عقلی در قرآن کریم و سنت نبوی بسیار است؛ و بیش از آن است که در شمار آید. و آنکه می‌خواهد از آن‌ها مطلع شود باید به قرآن کریم و کتب سنت و سیره نبوی مراجعه کند که اخبار یقینی درباره این نشانه‌ها را در خود جای داده‌اند.

اگر این نشانه‌های بزرگ واقع نشده بود، قطعاً دشمنان ایشان از جمله کافران قریش و یهودیان و نصرانیان که در جزیره العرب بودند، آن را فرصت مناسبی برای تکذیب

1 مانند این سخن الله تعالی: «ای مردم، [درباره ناتوانی معبودان باطل] مثلی زده شده است؛ پس به آن گوش دهید: کسانی را که به جای الله [به عبادت و یاری] می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگس را بیافرینند، حتی اگر [همگی] برای این [کار] جمع شوند؛ و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید، نمی‌توانند آن را بازپس گیرند. [آری،] طالب و مطلوب [= معبود باطل و مگس یا عابد و معبود باطل] هر دو ناتوانند». [سوره حج: ۷۳]

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و برحذر داشتن مردم از ایشان قرار می‌دادند.

و قرآن کریم کتابی است که الله متعال به پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- وحی کرد و کلام رب العالمین است؛ الله متعال انسانها و جنیان را به مبارزه طلبید که مانند آن یا سوره‌ای مانند آن بیاورند؛ و این چالش تا امروز ادامه دارد. قرآن کریم پرسش‌های مهمی را پاسخ گفته است که میلیون‌ها انسان در پاسخ به آن متحیر بودند. قرآن کریم تا روز قیامت به همان زبان عربی که به آن نازل شده، محفوظ خواهد ماند و هیچ حرفی از آن کم نشده و چاپ شده و منتشر است. کتابی است بزرگ و معجزه که از آوردن آن مانند آن ناتوانند؛ بزرگترین کتابی است که به مردم ارائه شده است. و شایسته است که متن آن یا ترجمه معانی اش خوانده شود؛ و کسی که خواندن این کتاب و ایمان به آن را از دست بدهد، خیر بسیاری را از دست داده است.

همچنانکه سنت پیامبر محمد -صلی الله علیه وسلم- و راه و روش و سیرت ایشان محفوظ است و توسط سلسله‌ای از راویان مورد اعتماد نقل شده و به زبان عربی چاپ شده است، یعنی همان زبانی که پیامبر محمد -صلی الله علیه وسلم- به آن سخن گفته است، گویا ایشان در میان ما زندگی می‌کند؛ و این کتاب‌ها به زبان‌های زیادی ترجمه شده است. و قرآن کریم و سنت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- تنها منابع احکام اسلام و قوانین آن هستند.

۶- شریعتی که پیامبر محمد -صلی الله علیه وسلم- آورده است

شریعتی که پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- آورده است، همان شریعت اسلام است که خاتمۀ شرایع ربانی و پیام‌های الهی است. این شریعت در اصول همانند شرایع دیگر پیامبران است، اگرچه از نظر کیفیتش با آن‌ها متفاوت باشد.

و این شریعت، شریعتی است کامل که برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها مناسب است؛ و صلاح دین و دنیای مردم در آن است. و همهٔ عبادت‌هایی که باید بندگان برای الله پروردگار جهانیان انجام دهند، مانند نماز و زکات را در خود دارد. و همچنین معاملات مالی و اقتصادی و تعاملات اجتماعی و سیاسی و نظامی و محیط زیستی جایز و ناجایز و دیگر مواردی را در خود دارد که زندگی دنیا و آخرت مردم می‌طلبد.

این شریعت، دین و جان و ناموس و مال و عقل و نسل مردم را حفظ می‌کند؛ و هر فضیلت و نیکی را در خود دارد؛ و از هر رذیلت و شری باز می‌دارد؛ به کرامت انسان و میانه روی و عدل و اخلاص و نظافت و پاکیزگی و انجام هر کاری به نحو احسن و محبت و خیرخواهی برای مردم و حفظ جان و امنیت میهن فرا می‌خواند؛ و ترساندن مردم به ناحق را حرام می‌داند. پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- با سرکشی و فساد به هر شکلی مبارزه کرد و با خرافه گرایی و گوشه گیری و رهبانیت نیز مخالف بود.

و پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- بیان داشته که الله متعال انسان را - مرد و زن - گرامی داشته و حقوق او را به شکل کامل بر عهده گرفته و او را مسئول همه انتخاب‌ها و کارها و رفتارهایش دانسته است؛ و مسئولیت هر کاری را که به او و دیگران زیان برساند، بر عهده خود او دانسته است. و مرد و زن را از نظر ایمان و مسئولیت و پاداش و جزا یکی دانسته است. این شریعت توجه ویژه‌ای به زنان داشته است، چه در نقش مادر یا همسر و یا دختر و خواهر.

از اموری که شریعت پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- دربردارنده‌ی آن است، حفظ عقل و تحریم هر چیزی است که آن را فاسد می‌کند، مانند شراب خواری. اسلام دین را نوری دانسته که راه عقل را روشن می‌کند؛ تا انسان پروردگارش را با علم و بصیرت عبادت کند. شریعت اسلام منزلت عقل را بالا برده و آن را مناط تکلیف قرار داده (یعنی تکالیف شرعی را به وجود عقل وابسته کرده است) و از قید و بند خرافه و بت پرستی آزاد کرده است.

همچنین شریعت اسلام علم صحیح را گرامی داشته و به پژوهش علمی‌عاری از هوای نفس تشویق می‌کند؛ و به استدلال و تفکر و اندیشیدن در نفس و هستی فرا می‌خواند. و نتایج علمی صحیح تعارضی با آنچه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آورده ندارد.

در شریعت هیچگونه تبعیض نژادی متوجه گروه خاصی از مردم نیست و هیچ قومی بر دیگران برتری ندارد، بلکه

همه در برابر احکام آن برابرند؛ زیرا همه مردم در اصل خود برابرند؛ و جنسی بر جنس دیگر و قومی بر قوم دیگر برتری ندارند، مگر بر اساس تقوا. و پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- بیان داشته که هر نوزادی بر اساس فطرت (پاک مسلمانی) به دنیا می‌آید و هیچ انسانی ذاتاً خطاکار یا وارث خطای دیگری، دیده به جهان نمی‌گشاید.

در شریعت اسلام، الله متعال توبه را مشروعیت بخشیده است؛ و توبه یعنی: بازگشت انسان به سوی پروردگارش و ترک گناه. اسلام آوردن همه گناهان گذشته‌ی انسان را پاک می‌کند و توبه گناهان قبل از خود را از بین می‌برد، بنابراین برای پاک شدن از گناهان، نیازی به اعتراف در برابر انسان‌های دیگر نیست، چرا که در اسلام رابطه میان انسان و الله مستقیم است، در نتیجه به کسی نیاز ندارید تا واسطه میان شما و خداوند باشد، چرا که اسلام از اینکه بشر را خدا و معبود بدانیم یا در ربوبیت و الوهیت شریک الله بدانیم، باز می‌دارد.

و شریعتی که پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- آورده، ناسخ همه شریعت‌های پیشین است، زیرا شریعت اسلام که محمد -صلی الله علیه وسلم- از سوی الله آورده است، تا روز قیامت آخرین شرایع می‌باشد و برای همه جهانیان است؛ در نتیجه ناسخ شریعت‌های پیشین است، چنانکه شریعت‌های پیشین نیز یکدیگر را نسخ می‌کردند. الله سبحانه و تعالی شریعتی جز شریعت اسلام را نمی‌پذیرد و دینی جز همان اسلام که پیامبر محمد -صلی الله علیه وسلم- آورده است، قبول نمی‌کند. و هر که دینی جز اسلام را بپذیرد، از او

پذیرفته نخواهد شد. و کسی که می‌خواهد جزئیات احکام این شریعت را بداند، باید آن را در کتاب‌های مورد اعتماد که در زمینه معرفی اسلام نوشته شده‌اند، بجوید.

هدف شریعت اسلام - همانند همه رسالت‌های الهی - این است که: دین حق مقام و منزلت انسان را والا بگرداند تا آنکه تنها بنده خالص الله، پروردگار جهانیان باشد و او را از بندگی انسان یا ماده یا خرافه برهاند.

شریعت اسلام برای هر زمان و مکانی مناسب است و در آن هیچ چیزی نیست که با مصالح و منافع حقیقی انسان در تعارض باشد، چرا که از سوی الله نازل شده که همه نیازهای انسان را می‌داند؛ و مردم نیازمند شرعی هستند که ذاتاً صحیح باشد، نه آنکه بخش‌های مختلف آن با یکدیگر در تعارض باشد؛ و نیازمند دینی هستند که اوضاع بشر را سامان بخشد، نه آنکه بشری آن را برای هم نوع خود وضع کرده باشد، بلکه از جانب الله دریافت شده باشد، تا مردم را به راه خیر و هدایت راهنمایی کند؛ و به این ترتیب چون به آن گردن نهند، امورشان سامان خواهد گرفت و از ستم یکدیگر در امان خواهند ماند.

۷ - موضع دشمنان ایشان و گواهی آنان در حق وی

بدون شک هر پیامبری مخالفانی دارد که با او دشمنی می‌کنند و در مسیر دعوتش می‌ایستند و مردم را از ایمان به او باز می‌دارند. و پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- نیز در زندگی و پس از وفاتش دشمنان بسیاری داشت که خداوند

او را بر همه آنان پیروز گرداند. و شهادت‌های پرشماری در - گذشته و حال - از جانب آنان صادر شده که ایشان پیامبرند؛ و آنچه آورده از جنس پیامی است که پیامبران پیشین - علیهم الصلاة والسلام - آورده‌اند؛ و می‌دانند که او بر حق است، اما موانع بسیاری از جمله حب ریاست یا ترس از جامعه، یا بیم از دست دادن مال و موقعیت، باعث می‌شود از ایمان به او خودداری کنند.

و سپاس و ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است.

فهرست

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم.....	2
پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم.....	2
کمیتة علمی اداره امور دینی مسجد الحرام و مسجد نبوی.....	2
نام و نسب و شهری که ایشان در آن دیده به جهان گشوده و پرورش - ۱	یافتند.....
از دواج خجسته ایشان با بانویی مبارک - ۲.....	3
آغاز وحی - ۳.....	4
رسالت ایشان - ۴.....	12
نشانه های پیامبری ایشان و دلایل آن - ۵.....	14
شریعتی که پیامبر محمد - صلی الله علیه وسلم- آورده است - ۶.....	18
موضع دشمنان ایشان و گواهی آنان در حق وی - ۷.....	21